

بوشیدو روح ژاپن، طریق سامورایی

یاسو میتوه

ترجمه‌ی مریم هاشمی



سرشناسه: نیتوبه، اینزو، ۱۸۶۲ - ۱۹۳۳ م.
عنوان و نام پدیدآور: بوشیدو روح ژاپن/اینزو نیتوبه ؛ [مترجم]
مترجم: هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: چلچله ، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۵۱-۹۲-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: بوشیدو
شناسه افزوده: هاشمی، مریم، ۱۳۶۶ - مترجم
رده بندی کنگره: B۱۹۷۱/ب۹
رده بندی دیویی: ۱۷۰/۴۴۰۹۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۶۰۰۴۵

شبه روح ژاپن، طریقت سامورایی

نویسنده: اینزو نیتوبه
مترجم: مریم هاشمی
ناشر: نشر چلچله
نوبت چاپ: اول
تاریخ چاپ: ۱۴۰۳
تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه
قیمت: ۱۶۰۰۰۰ تومان
ویراستار: زهره رضازاده
صفحه آرا: نسیم امیری
طراح جلد: رضا بخشی



@chelchalehbook

کلیه حقوق برای نشر محفوظ می باشد.

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۱۳۵۵۸

به عمومی محبوبم، توکیتوشی اوتا، که به من یاد داد به گذشته احترام بگذارم
و سنت سامورایی را تحسین کنم.

«به این ترتیب

بر فراز کوهی که روی آن ایستاده،

جای تردید است که آیا واقعاً جاده‌ای وجود دارد!

درحالی‌که اگر آن را از خود ضایعات ببیند،

خط به سمت بالا می‌رود، از پایه تا پیشانی ساده،

هم نیست، اشتباه نیست! کمی استراحت

از دور فصحای ناگسستنی دیده می‌شود؟

و سپس «آردن فلسفه تازه»

چه می‌شود اگر سود سکوها ثابت شوند

کامل‌ترین تدبیر

برای تربیت چشم انسان با «بیاموز که ایمان چیست».

رابرت براونینگ، عذرخواهی اسقف بلوگرام

"اگر بخواهم بگویم سه روح فدایت وجود دارد که

گهگاه روی آب‌ها حرکت کرده و انگیزای غالب به

احساسات و انرژی‌های اخلاقی بشر داده‌اند، آن‌ها ارواح

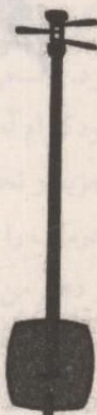
آزادی هستند. از دین و شرافت».

HALLAM، اروپا در قرون وسطی.

جوآنمردی خود شعر زندگی است.

شلگل،

فلسفه تاریخ.



مقدمه نویسنده

حدود ده سال پیش در حالی که چند روزی را در خانه دانشمند ممتاز و مهمان نواز بلژیکی، «م. نلا» می‌سپری می‌کردیم، گفت و گوی ما به موضوع دین کشیده شد. استاد پرسید: «آیا می‌خواهید بگویید شما در مدارس خود آموزش دینی ندارید؟» پاسخ منفی من، کمی سکوت کرد و بعد با لحنی که هرگز فراموش نمی‌کنم، تکرار کرد: «نه دین! چگونه آموزش اخلاقی می‌دهی؟» این سوال در آن زمان مرا متحیر کرد. پاسخی به ذهنم نمی‌آمد بدهم، زیرا احکام اخلاقی که در دوران کودکی ام آموختم، در مدارس داده نمی‌شد. و تا زمانی که شروع به تجزیه و تحلیل عناصر مختلف کردم که تصورات من از درست و نادرست را شکل دادند، متوجه نشدم که این بوشیدو بود که آن‌ها را در ذهن من جا داده بود.

دلیل نوشتن این کتاب کوچک سؤالات مکرر همسرم در مورد چرایی رواج چنین عقاید و آداب و رسوم در ژاپن است. در تلاش‌هایم برای دادن پاسخ‌های رضایت‌بخش به همسر، دریافتم که

بدون درک فتودالیسم و پوشیدو، ایده‌های اخلاقی ژاپن کنونی یک کتاب مهر و موم شده است.

بیماری و مرخصی طولانی مدت اجباری، فرصتی فراهم کرد تا با گفت‌وگو و تحقیق، برخی از پاسخ‌ها را به دست آورم و بعضی شامل مطالبی بود که در دوران جوانی‌ام، زمانی که فتودالیسم هنوز پابرجا بود، به من آموخته شده بود.

در همکاری با لافکادیو هرن و خانم هیو فریزر از یک طرف و سر ارنست ساترو پروفیسور چمبرلین از طرف دیگر، نوشتن هرچیز ژاپنی به انگلیسی را قائل رد کننده است. تنها مزیتی که نسبت به آن‌ها دارم این است که می‌توانم رفتار یک متهم شخصی را در نظر بگیرم، در حالی که این نویسندگان برخسته در بهترین حالت وکیل هستند. من اغلب فکر می‌کردم، اگر استاد زبان آن‌ها را داشتم، سنت‌های ژاپن را با عبارات شیواتری ارائه می‌کردم! اما کسی که به زبان واسطه صحبت می‌کند، همین‌که بتواند خودش را بفهماند، باید شکرگزار باشد.

در تمام این گفتمان سعی کردم نشان دهم که نکته‌ای که با مثال‌های موازی از تاریخ و ادبیات اروپا بیان کرده‌ام، تلاشی بود برای نزدیک‌تر کردن موضوع به درک خوانندگان خارجی.

اگر هریک از اشارات من به موضوعات مذهبی و روحانیان کوچک تلقی شود، اطمینان دارم که نگرش من نسبت به خود مسیحیت زیر سؤال نخواهد رفت. معمولاً روش‌های غلط کلیسایی است که تعالیم مسیح را مبهم می‌کند، نه خود آموزه‌ها. من به دینی که مسیح تعلیم داده و در عهد جدید برای ما به جا مانده است، و همچنین به



شریعت نوشته شده در قلب ایمان دارم. به علاوه، معتقدم که خدا وصیت نامه ای داده است که ممکن است با هر قوم و ملتی، غیر یهودی یا یهودی، مسیحی یا غیر مذهبی، «کهن» نامیده می شود. در مورد بقیه الهیات هم، لازم نیست تمام آن را به مردم تحمیل کنم. در پایان این مقدمه، مایلیم از دوستم، آناسی هارتشون^۱ به خاطر پیشنهادهای ارزشمند بسیار و طراحی اصیل ژاپنی او برای جلد این کتاب تشکر کنم.

مالورن پا، ماه دوازدهم، ۱۸۹۹



پیش‌گفتار

این کتاب بوقت از زمان اولین انتشارش در ویلادلفیا، بیش از شش سال پیش، روی غیر منتظره داشته‌است. هشت چاپ آن به زبان ژاپنی منتشر شد و حدود دهمین چاپ آن به زبان انگلیسی چاپ خواهد شد. همزمان با این یک نسخه آمریکایی از طریق انتشارات جورج اچ. پاتنام نیویورک منتشر خواهد شد.

در این میان ترجمه‌های دیگری هم از کتاب بوشیدو در دسترس است. دو آو. خاندش (Dev) of (Zhandesh) به ماهراتی، فرولین کوفمان (ulein KaufmannäFr) به آلمانی، هورا (Hora) از شیکاگو به بوهمی، و انجمن «علم و زندگی» در لمبرگ به لهستانی این کتاب را ترجمه کرده‌اند. دولت روسیه نسخه لهستانی آن را رد کرده و از متن نروژی و فرانسوی استفاده می‌کند. ترجمه چینی این کتاب هم در دست بررسی است. یک افسر روسی که اکنون در ژاپن زندانی است، دست‌نوشته‌ای از این کتاب به زبان روسی برای مطبوعات آماده کرده‌است. بخشی از این ترجمه در مجارستان چاپ

شد و بررسی مفصلی در حد تفسیر، به زبان ژاپنی از آن منتشر شده است. دوست عزیز من، اچ. ساکورای (H. Sakurai)، یادداشت‌های علمی کاملی برای کمک به دانش‌آموزان جوان‌تر گردآوری کرده است که من نیز در این زمینه به او کمک زیادی کرده‌ام. وقتی می‌بینم کاری که مشتاقانه انجامش داده‌ام خوانندگانی را از هر زبان و نژاد پیدا کرده، بسیار خوشحالم و این نشان می‌دهد که موضوع کتاب مورد علاقه بسیاری از مردم جهان است. این خبر هم از منابع به دستم رسید که پرزیدنت روزولت هم خواننده این کتاب بود و چندین دهه بعد از آن را هم به دوستانش داده است. این را بیشتر تملق از طرف روزی می‌دانم تا افتخاری آنچنانی.

در انجام اصلاحات و اضافات برای ویرایش حاضر، تلاش کردم متن را تا حد زیادی به نمونه‌های علمی نزدیک کنم. همچنین فصلی درباره تقوای فرزندی، که یکی از دو چرخه اخلاق ژاپنی است، در این ویرایش اضافه شده است. اما ممکن است مخاطب غربی، به دلیل ناآگاهی من از احساسات آن‌ها در این مورد، در رابطه با این فضیلت خاص ارتباط چندانی برقرار نکند و اصلاً از فضیلت نداند. برای همین نمی‌توانم در مورد آن مقایسه‌هایی بیاورم که برای ذهنم رضایت‌بخش باشد. امیدوارم روزی برسد که بتوانم درباره این موضوع و موضوعات دیگر مفصل‌تر بنویسم و توضیح دهم. همه موضوعاتی که در این صفحات به آن‌ها پرداخته می‌شود، قابلیت تشدید و بحث بیشتر را دارند. اما در حال حاضر مسیر برای وسعت دادن به این مقولات میسر نیست.



با این جملات و مقدمه کوتاه نمی‌توانم سپاسگزار همسر باشم که با مهربانی و شکیبایی بازخوانی این کتاب را انجام داد و پیشنهادات مفیدی ارائه کرد و همچنین تشویق‌های همیشگی‌اش قوت‌قلبی برای من بود.

کیوتو، ماه پنجم، بیست و دوم، ۱۹۰۵

